

اشعار سروده شده در سوگ شهادت سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی

کس راز حیات او نداند گفتن
بایست زبان به کام خود بنهفتن
هرچند میان خون خود خفت ولی
سوگند که خون او نخواهد خفتن

#قیصر_امین_پور

پشت مرزهای آسمان خبر رسید

جبرئیل محضر پیامبر رسید

شاهدان زنده دیده‌اند و خوانده‌اند

آیه‌های انشقاق و والقمر رسید

بدر بود و شعر بود و رنگ بود و اشک

تیر پرشکسته‌ای به شاهپر رسید

خوانده‌اند کوچه‌ها که تو سپر شدی

آتشی مهیب را که پشت در رسید

ارث زخم، ارث زندگی بدون مرگ

آخر از پدر به سینۀ پسر رسید

نالهای ربناییات مگر گرفت

یا جواب کربلاییات مگر رسید

ماندنی تویی و رفتنیست خصم تو

رنگ توست جمعههای سرخ سر رسید

هر که بیشتر شناخت، بیشتر شتافت

هر که بیشتر شتافت، بیشتر رسید

دی گذشت و در بهار سبز بودنت

از نگاه تو شکوفههای تر رسید

انتظار تو! نه حاج قاسم عزیز!

انتظار آسمانیان به سر رسید

کار ناتمام تو تمام می شود

هاتفی سکوت می کند... سحر رسید...

#حامد_اهور

رفتند که این نام سرافراز بماند

بر مأذنه‌ها نام علی باز بماند

رفتند که در این قفس تنگ، در این شهر

یک پنجرهٔ رو به خدا باز بماند

رفتند که در دل، دلِ ما عشق نمیرد

رفتند که زیبایی این راز بماند...

هر کس به دلش شوق خطر هست بیاید

هر کس که ندارد دل پرواز، بماند

گفتند که اعجاز حسین است شهادت

رفتند که این راهِ پُر اعجاز بماند

#یوسف_رحیمی

زخمِ ارثی‌ست که در سینهٔ ایرانی‌هاست

کشورم پر شده از داغِ سلیمانی‌هاست

کشورم تلخ‌ترین حادثه‌ها را دیده‌ست

پای این سرو کهن، خون جوان باریده‌ست

چقدر لاله که در خانهٔ اجدادی ماست
پشت هر مرثیه‌ای غیرت و آزادی ماست

باز ابری‌ست هوا تا که بیارند همه
سوگواران غم رفتن یارند همه

آه ما سوخته‌جانان به اثر نزدیک است
روز خونخواهی و جبران چقدر نزدیک است

مرد میدان خطر رفت، ولی هست هنوز
و چه غم؟! مالک اگر رفت علی هست هنوز...

که به یک گوشه نگاهش همه جان می‌گیریم
انتقام از همهٔ شبزدگان می‌گیریم

#محمد_غفاری

دستشان باز شد آلوده به خون، جانی‌ها

بی‌دوام است ولی خنده شیطانی‌ها

کم علمدار ندادیم در این کرب و بلا

کم نبودند در این خاک سلیمانی‌ها

جای هر قطره خون، صد گل از این باغ شکفت

کی جهان دیده از این گونه فراوانی‌ها؟

آرزو داشت به یاران شهیدش برسد

رفت پیوست به حاج احمد و طهرانی‌ها

شعله شد خشم فروخورده ما از این داغ

کم مباد از سرشان سایه نادانی‌ها

برسانید به آنها که پشیمان نشوند

ثمری نیست در این دست پشیمانی‌ها

غیرت است این که همه پیر و جوان می‌بندند

گره بر چکمه و سربند به پیشانی‌ها

انتقامش به خدا از حججی سخت‌تر است

وای از مشت گره‌کرده ایرانی‌ها!

راهی قدس شده لشکر آزادی قدس
این خبر را برسانید به سفیانی‌ها
#نفیسه سادات موسوی

در قاب عکست می‌تواند جان بگیرد
این عشق پابرجاست تا تاوان بگیرد

این اشک‌ها آیین دلتنگی‌ست اما
یک روز اگر از زخم تو جریان بگیرد...

امکان نخواهد داشت داغ رفتنت را
-این انتقام سخت را- آسان بگیرد

خورشید می‌آید که با یک صبح دیگر
از ما برای خون تو پیمان بگیرد

آشفته‌حالی‌های ما امروز باید
تنها در این فریادها سامان بگیرد

حال و هوای آسمان ابری‌ست ای کاش
باران بگیرد... بعد تو... باران بگیرد

صبح من از داغ تو شد لبریز اما
می آید آن صبحی که غم پایان بگیرد
#فاطمه_زاهد_مقدم

کس راز حیات او نداند گفتن
بایست زبان به کام خود بنهفتن
هرچند میان خون خود خفت ولی
سوگند که خون او نخواهد خفتن
#قیصر_امین_پور

بنگر به شکوه سوی حق تاختنش
بر قلۀ عشق پرچم افراختنش
فتح است در این معرکه سر دادن او
برد است در این میانه جان باختنش
#سیدحسن_حسینی

چشمان تو دروازه راز سحر است
پیشانی ات آه، جانماز سحر است
شب با همه سیاهی اش خواهد مرد
جانبازی تو زمینه ساز سحر است

#رضا_محمدصالحی

همسنگر دردهای مردم بودی
چون سایه در آفتابشان گم بودی
هر گاه در این شهر تو را می دیدم
چون بارش صبح در تبسم بودی
#خدابخش_صفادل

سفر کردند سرداران عاشق
به روی شانه یاران عاشق
گذشتند و رها کردند در باغ
مرا تنها، سپیداران عاشق

#سیدحبیب_نظاری

چرا چو خاک چنین صاف و ساده باید مرد؟
و مثل سایه به خاک اوفتاده باید مرد؟

به گلشنی که شقایق اسیر دلتنگی ست
به روی دست، سر خود نهاده، باید مرد

قسم به خون شهیدان که در سراچهٔ رنگ

به رنگِ لالهٔ با داغ زاده، باید مرد

چو عاشقانِ ز جان دست شسته، باید رفت

چو بیدلانِ دل از دست داده، باید مرد

اگر که راه به پایان جاده خواهی برد

هلا ز خویش در آغاز جاده باید مرد

در این قبیله کسی عاشق شهادت بود

که گفت: بیشتر از این، زیاده، باید مرد

به پایمردی سقّای کربلا سوگند

که: با دو دست پر و بال داده، باید مرد...

پیام سرخ شهیدان کربلا این است

که: در مصاف ستم ایستاده باید مرد!

#محمدعلی_مجاهدی

خط خون نقطهٔ پایان سلیمانی نیست

بهراسید که این اول بسم الله است

#سیدحمیدرضا_برقعی

❖ لشکر شهیدان ❖

شهید کن... که شهادت حیات مردان است

ولی برای شما مرگ، خط پایان است

شهید کن... که شهیدان بریده از جسم‌اند

شهید کن... که شهید از ازل، همه جان است

ببار تیر بلا لحظه لحظه بر سر ما

که سرو، مستِ همین قطره‌های باران است

به مورها برسانید از سپاه علی

که نام یک یک سربازها سلیمان است

شهید قاسم ما زنده‌تر شد و امشب

خوشا که بر سر خوان حسین مهمان است

خوشا به او که پس از این همه جهاد و جنون

به خون خویش ابوالفضل وار غلطان است

به خون تپیده و بر خاک قطعه قطعه شده

شبيه يار شدن آرزوی ياران است

ز کوچ مالک اگر خون نشسته در دل ما

ولی بین که سپاه علی رجزخوان است

به دیده تر ما رنگ یأس و رخوت نیست

سپاه عشق کماکان میان میدان است

نه... حزن و سستی از این داغها به ما نرسد

که «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» از اصول قرآن است

حرام می شود از این به بعد خواب شما

که خشم حیدری شیعه سخت و سوزان است

که امر رهبر ما گر رسد همین فردا

به «یا علی مددی» کاخ ظلم ویران است

در انتظار ظهوریم و خوب می دانیم

سپاه مهدی ما لشکر شهیدان است

#سعید_تاج_محمدی

هرچند که رفتن تو غم داشت، عزیز!

در سینه تو عشق، حرم داشت عزیز

حیف از تو نبود، مثل ما می‌مردی؟

نام تو فقط «شهید» کم داشت عزیز

#محمد_کاظمی_نیا

داغ تو اگرچه روز را شام کند

دشمن را زهر مرگ در کام کند

اقیانوسی ز خشم هستیم همه

ما را مگر انتقام آرام کند

#زین_العابدین_آذرارجمند

❖ یاران العجل! ❖

ای خوشا در راه اقیانوس طوفانی شویم

در طواف روی جانان غرق حیرانی شویم

کربلا غیر از اطاعت نیست، یاران العجل!
در مسیر جمکران باید جمارانی شویم

پای درس فاطمه آموختیم این عشق را
در غدیر معرفت با شوق قربانی شویم

صبح نزدیک است این شام پریشان حال را
باید اکنون عازم پیکار پایانی شویم

من ز لبخند شهیدان اینچنین فهمیده‌ام
دشمنان مورند... ما باید «سلیمانی» شویم!

#حسین_مؤدب

هرگز نه معطل پر پروازند
نه چشم به راه فرصت اعجازند
مردان خدا، برای زیبا رفتن
هر بار مسیر تازه‌ای می‌سازند

#سیداکبر_سلیمانی

در حال تکمیل شدن...